

اشاره ای مختصر به تحول باستان شناسی در ایران

دکتر صادق ملک شه میرزادی

مقدمه

از زمان تشکیل اداره کل باستان شناسی که خود تغییر نام یافته اداره عتیقات بوده است و امروز به عنوان «مرکز باستان شناسی ایران» یکی از سازمان های تابع وزارت فرهنگ و آموزش عالی است بیش از نیم قرن نمی گذرد.

قدمت تأسیس گروه آموزشی باستانشناسی در دانشگاه تهران حتی به نیم قرن هم نمی رسد. این دو نهاد فرهنگی، تحقیقاتی و پژوهشی به عنوان دو تشکیلات سازمان یافته ایرانی به آن اندازه جدید هستند که

احتمالاً تدوین تاریخ چگونگی تغییرات و تحولات آن نیاز به زمان بیشتری دارد تا مدارک و اسناد رویدادهای درون سازمانی آنها را بتوان به راحتی در اختیار داشت. به همین جهت می توان عنوان اشاره

مختصر بر تحول تشکیلات باستان شناسی در ایران را برای این بررسی انتخاب نمود و هدف از چنین بررسی را نظری بر فعالیت های تحقیقاتی و پژوهشی در زمینه مطالعات باستان شناسی و تشیلاتی آن در ایران و توسط ایرانیان دانست. جدید بودن تشکیلات باستان شناسی در ایران با نهادهای مشابه در سایر

نقاط جهان را با یک مقایسه ساده می توان روشن نمود. مثلاً «با مقایسه با موطه لوور (Luvro) در

پاریس که در سال ۱۷۹۳ میلادی (برابر ۱۱۷۲ هـ.ش) ۴ سال بعد از پیروزی انقلاب کبیر فرانسه از طرف

انقلابیون به ملت فرانسه اهدا شد و رسماً» موزه جمهوری فرانسه که گاهی نیز به نام موزه ملی فرانسه

نامیده می شد افتتاح گردید، در ایران فکر تأسیس یک موزه ملی ۱۲۳ سال بعد از آن پدید آمد. اگر در

کشور انگلستان در سال ۱۸۸۲ میلادی لایحه حفظ میراث فرهنگی توسط یک بانکدار عضو پارلمان به

نام جان لوباک به مجلس ارائه و از تصویب مجلس انگلستان گذشت در ایران مجلس شورای ملی در سال ۱۳۰۶ هـ. ش (برابر ۱۹۲۷ میلادی) موفق شد امتیاز انحصار حفاری و کاوش های باستانی در تمام ایران را که رسماً در سال ۱۹۰۰ میلادی (۱۲۷۹ هـ. ش) به دولت فرانسه واگذار شده بود فقط به طور مشروط لغو نماید (به این موضوع در آینده بیشتر خواهیم پرداخت).

در ۱۷۵۰ میلادی جان وینکلمن آلمانی وقتی کتاب معروف خود به عنوان «تاریخ هنر قدیم» را نوشت در آن میزان و ملاکی برای تغییر سبک های مختلف هنری ارائه نمود. به عنوان پدر علم باستانشناسی نامیده شد و یا هنگامی که جنس جاکوب آسموسن وارسا درس سال ۱۸۸۴ میلادی کتاب معروف خود را تحت عنوان «ادوارد باستانی دانمارک» منتشر نمود و در آن درباره تقسیم ادوار مختلف باستانی به سه گروه سنگ و برنز و آهن که قبلاً توسط استادش کریستین جورگنسن تامسن پیشنهاد ارائه شده بود مفصلاً توضیحاتی داد و ضمن آن برای جلوگیری از انهدام میراث فرهنگی ترقی را ارائه نمود رسماً به عنوان اولین باستانشناس در تاریخ مطالعات باستانی شناخته شد و بعدها به مقام استادی بخش باستان شناسی در دانشگاه دانمارک در کپنهاک رسید و همچنین مدرسه مطالعات و تحقیقات باستانی در پاریس که قسمتی از تشکیلات موزه لوور بود و به نام مدرسه لوور در سال ۱۸۸۲ میلادی رسماً به کار آموزش باستانی و تربیت باستان شناسان پرداخت. اولین گروه دانشجویان باستانی دانشگاه تهران حدود سال ۵۰ - ۱۹۴۹ میلادی فارق التحصیل شناخته شدند.

برای پیگیری چگونگی تکوین و تطور تکاملی تشکیلات باستان شناسی در ایران که گاهی با وقفه و سخته همراه بوده و زمانی نیز به طور طبیعی و جبری مسیر خود را طی می نموده است ابتدا به خلاصه ای

از جدول زمان بندی تحولات سازمانی تشکیلات باستان شناسی نظر می افکنیم و سپس به شرح مختصری از نکات برجسته آن بسنده می نمایم.

توجه ایرانیان به میراث فرهنگی

قبل از ورود به بحث اصلی که چگونگی تکوین و تکامل تشکیلات باستانشناسی در ایران است، چگونه توجه ایرانیان را در ابتدای امر نسبت به میراث فرهنگی و آثار باستانی باید به اختصار مورد مطالعه قرار داد. بر اساس مدارک موجود چنین به نظر می رسد که در ابتدای توجه ایرانیان به آثار باستانی از حد یک تفنن زودگذر و موقت که اکثر اوقات با انهدام و ویرانی آنها نیز همراه بوده است تجاوز نمی شود. (۱) در این باره بهترین شاهد مدعای اعترافات محمد حسن خان اعتماد السلطنه است که ضمن خاطرات روز شنبه ۱۲ جمادی الاول سال ۱۳۰۳ هـ. ق که مطابق است با بهمن ماه ۱۲۶۴ هـ. ش چنین نوشته شده است:

« ... بعد از نهار خانه آمدم. تا عصر مشغول خواندن مسکوکات کهنه شدم. تازه به این خیال افتادم. سکه

کهنه جمع می کنم» (اعتماد السلطنه ۴۰۷)

« ضمن خاطرات روز دوشنبه ۲۴ جمادی الاول همان سال می نویسد «صبح خواستم لباس نپوشم تمام

روز خانه باشم، مشغول خواندن سکه کهنه که حالا به این خیال افتادم سکه کهنه جمع می کنم

شوم باز نشد. خانه ظل السلطان رفتم. خیلی صحبت شد. به خانه آمدم. کاغذ سختی به نایب السلطنه

(نوشتم) استعفا از احتساب نمودم. بعد تا عصر با شیخ مهدی و عارفخان سکه های قدیم را که تازه

خریده ام خواندیم ...) اعتماد السلطنه ۴۱۳.

این تفنن خرید و فروش آثار باستانی بیشتر در میان طبقه اعیان و اشراف جامعه در اواخر عهد ناصری رواج بوده است. آثار فرهنگ ایران به مرور و طریق مختلف وارد مجموعه های خصوصی می شده است. یکی از این راه های ورود اشیا به مجموعه های خصوصی به صورت هدیه بوده است که بهترین شاهد آن نوشته دکتر فووریه پزشک مخصوص ناصرالدین شاه قاجار است که بین سال های ۱۳۶۰ تا ۱۳۰۹ هـ. ق در ایران به سر می برد. خاطرات خود را در این مدت می نوشته است. دکتر فووریه می نویسد:

«اعتماد السلطنه در یکی از امامزاده های آهنگران کاشی های زیبایی به دست آورد که اگرچه جلای کاشی های طلایی را نداشتند ولی باز بی اهمیت نبودند سه عدد از آنها را برداشت و به من هدیه داد ... (دکتر فووریه - ۳۸۸) و ...»

تأسیس نخستین موزه در ایران

شواهد ارائه شده فوق دال بر وجود آثار باستانی و اشیاء عتیقه در مجموعه های تماماً و یا قسمتی از آنها در یک موزه عمومی حفاظت می شده اند هیچ گونه اطلاعی در دست نیست اما در اینکه بپذیریم که نوعی موزه اختصاصی در مجموعه بناهای سلطنتی قاجار در دوران سلطنت ناصرالدین شاه باید وجود داشته باشد شواهد و مدارک محدودی در دست است. قدیمی ترین سندی که در این مورد در دست است عبارت اشاره آمیزی است به وجود نوعی موزه در بین بناهای کاخ سلطنتی ناصرالدین شاه در سفرنامه هوتوم شیندلر که نوشته است: «شاهنشاه بچند فرنگی اذن دادند که آن تپه و تپه های دیگر را بکنند، حیف است که این همه چیزهای قدیم از این ولایت ببرند خوب بود اگر همه چیز مثل آجر و مهر و غیره داخل موزه خانه شاهنشاه گذاشته می شد ...»

و در جای دیگر نوشته است که:

«سه دانه مهر هم که در حال حاضر در موزه خانه شاهنشاه هستند پیدا شده اند، و خطی که روی آن مهرها هست خط مغول قدیم است.» (۱. هوتوم شیندلر-۲۰۷)

برای نخستین بار در جمادی الاول سال ۱۳۳۵ هـ. ق برابر با ۱۲۹۵ هـ. ش. به همت شخصی بنام مرتضی قلی خان ممتاز الملک (۷) مجموعه ای از اشیاء مختلف ترتیب داده می شود و در محلی خاص نگهداری می شود که آن را «موزه ملی» می خوانند. برای موزه نظامنامه ای نوشته می شود و برای اشیاء کاتالوگی تهیه می گردد. در این باره سید محمدتقی مصطفوی چنین می نویسد:

«... در این باره در بخشی از مقدمه نظامنامه و کاتالوک موزه ملی ایران که در سال ۱۲۹۵ هـ. ش در تهران چاپ شده است ... چنین می خوانیم:

«... در این اوقات وزارت معارف با حسن توجهات خاصه و مجاهدات مبذوله حضرت آقای مرتضی خان ممتاز الملک وزیر معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه بتاسیس یک چنین اساس تاریخی که در آتیه خدمات مهمه به ملت ایران خواهد نمود توفیق یافته محلی که مخصوص جمع آوری آثار تاریخی ایران است با اسم موزه ملی افتتاح کرد ...».

تأسیس موزه ملی در ایران را توسط مرتضی خان ممتاز الملک که رسماً و قانوناً قسمتی از تشکیلات وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه را تشکیل می داد باید آغاز ایجاد سازمان وسیع و گسترده ای دانست که در تشکیلات سازمان یافته علمی و اداری امروز کشور تحت عناوین مختلف در زمینه های تحقیقاتی و پژوهشی فرهنگی و باستانشناسی مشغول فعالیت هستند.

واگذاری امتیاز کاوش های باستانشناسی و تأثیر آن در تطور تکاملی تشکیلات باستانشناسی در ایران در ۲۵ مهرماه ۱۳۰۶ هـ ش . مجلس شورای ملی وقت قرارداد امتیاز انحصار حفريات و کاوش های باستانشناسی در تمام ایران را که توسط مظفرالدین شاه قاجار به دولت و اتباع فرانسه داده شده بود بطور مشروط لغو نمود. قبل از امضاء رسمی این قرارداد در ۱۳ ربیع الثانی سال ۱۳۱۸ هـ ق مطابق ۱۱ ماه اوت ۱۹۰۰ میلادی ناصر الدین شاه نظیر چنین امتیازی رابه دولت فرانسه داده بود.

و در فصل هشتم قرارداد قید شده بود که دولت فرانسه بابت استفاده از این امتیاز باید ده هزار تومان به شاه پیشکش نماید. شاید امضاء همین قرارداد بود که سبب شد حاج زین العابدین مرغه ای (۹) که با اسم مستعار ابراهیم بیگ سفرنامه ای در سه جلد نوشته است و در خارج از ایران چاپ و منتشر نموده با حسرت هرچه تمامتر از ناآگاهی زمانه بنالد وبه سوگ از دست رفتن میراث فرهنگی این مملکت بنشیند و چنین می نویسد که :

«احوال قابل ظهور نموده که سبب تصدیع شود، مگر اینکه چند روز قبل امتیاز کشف آثار عتیقه شوستر وهمدان وغیره را بتوسط وزیر مختار فرانسه بکمپانیه فرانس دادند. اگر چه ملت ایران از این عوالم بیخبرند، ولی آنها که سوء نتیجه این جور چیزها می دانند در بحر عم والم غوطه ور گشته اند، که آن همه گنج های بی پایان موروثی واجدادی ما را که مادروطن درشکم خود از چنین عصر جهت ایرانیان محفوظ داشته، ومیلیون ها ارزش داشت بیگ صلواه فرنگی از دست دادند، درعوض این گنج پانزده هزار تومان میرزا علی اصغر خان صدراعظم برای خود گرفت و امتیاز آن را داد. اگر چه وعده شده بدولت هم حصه قسمت بدهند، ولی مسلم است یک انگشت بدهان ماموریکه از جانب دولت نظارت خواهد کرد می مالند و کار تمام می شود.....»

از لغو مشروط امتیاز حفاری در ایران تا تشکیل اداره کل باستانشناسی بیست و هفت سال بعد از امضاء قرارداد مظفرالدین شاه در ۲۵ مهرماه ۱۳۰۶ هـ ش مجلس شورای ملی وقت آن را بطور مشروط کان لم یکن تلقی نمود و مفاد آن را غیرقانونی اعلام نمود. درباره شرط لغو امتیاز در کتاب «باستانشناسی ایران» چنین می خوانیم «در این هنگام موافقت شد که هیئت فرانسوی تنها در شوش به کاوش و بررسی پردازد و دولت ایران تقبل نمود که یک موزه و یک کتابخانه در تهران بنا کند و ریاست آن را تا مدت ۵ سال به یک نفر فرانسوی واگذار نماید و تعهد کرد که حداقل قرارداد این فرد فرانسوی تا سه نوبت هردفعه پنج سال تمدید یا فرد دیگر فرانسوی را برای همین منظور استخدام کند، این بود که دولت ایران در ۱۳۰۶ خورشیدی از آقای آندره گدار دعوت نمود که به ایران بیاید و آندره گدار در سال ۱۳۰۸ در ایران رسماً شروع بکار کرد.»

لغو مشروط امتیاز انحصاری حفاری و کوش باستانشناسی در ایران که به دولت فرانسه داده شده بود دگرگونی ها و تحولاتی را در شکل گیری سازمانی که امروز بنام مرکز باستانشناسی ایران نامیده می شود در پی داشت. ولی قبل از پرداختن به چگونگی آن تحولات و تغییرات اشاره ای مختصر به جابجائی «موزه ملی» خالی از فایده نیست. در سال ۱۲۹۷ هـ ش (دو سال بعد از افتتاح موزه ملی توسط مرتضی خان ممتاز الملک) وزمانی که آقای ابراهیم حکیمی وزارت اوقاف و صنایع مستظرفه را به عهده داشت جزو تشکیلات این وزارتخانه اداره ای بوجود آورد بنام اداره عتیقات و شاعر بلند وازه ایرانی مرحوم ایرج میرزا جلال الممالک را به ریاست آن اداره منصوب نمود. در این هنگام کارمندان اداره عتیقات عبارت بودند از آقایان رضاقلی رفیع الملک، رضاقلی نوروزی، سلیمان سپهبدی، حیدرقلی شاملو (عون الوزاره) که صندوق دار اداره بود و بالاخره حاج اسد الله شالفروش ارزیاب موزه. محل موزه همچنان

در مدرسه دارالفنون واقع شده بود. در سال ۱۳۰۴ کاخ اختصاصی ظل السلطان در تهران که به نام بانیش مسعودیه خوانده می شد از طرف رئیس الوزراء وقت خریداری و به وزارت معارف اختصاص داده شد. اداره عتیقات که در این زمان به علت درآمد حاصله از ارزیابی اشیاء و اجازه حفاری به متقاضیان حفاریات تجارتي اهمیتی بی سابقه پیدا کرده بود نظر مقامات را به خود جلب نمود و برای اینکه از درآمدهای حاصله استفاده های دیگری شود اداره عتیقات بصورت کوچکتری بانام شعبه عتیقات به کار خود ادامه داد و بعداً با شعبه انطباعات با نام وزارت معارف، دریک اداره کل ادغام گردید و به محل جدید وزارت معارف در عمارت مسعودیه منتقل شد. اشیاء موزه ملی نیز به اطاقی در همان ساختمان منتقل شد و تا زمان اتمام ساختمان فعلی موزه ایران باستان در همان اطاق باقی ماند. ولی در دسترس مشاهده و استفاده کسی از خارج قرار نمی گرفت. پس از اینکه قرار شد آقای گدار رسماً بعنوان مأمور دولت ایران کار خود را از آغاز سال ۱۳۰۸ شروع کند اداره امور عتیقات به ایشان سپرده شد و آقایان سلیمان سپهبدی با سمت بازرسی عتیقات، وحیدرقلی شاملو (عون الوزاره) در سمت ریاست موزه با همکاری آقای گدار به کار خود ادامه دادند.

مجلس شورای ملی دوره پنجم در ۲۵ مهرماه ۱۳۰۶ هـ ش به دلایل وانگیزه های متفاوت و بطور مشروط چنانکه گذشت امتیاز انحصار حفاری در تمام ایران را که به یک دولت فرانسه داده شده بود لغو نمود. در ۱۲ آبان ماه ۱۳۰۹ هـ ش قانون عتیقات و دو سال بعد در ۲۸ آبان ماه آیین نامه اجرایی آن از تصویب هیئت دولت به شرح زیر گذشت:

«... از این رو با مساعی مرحوم محمد علی ذکاء الملک فروغی در تاریخ ۱۲ آبان ماه ۱۳۰۹ شمسی قانونی بنام عتیقات به تصویب مجلس شورای ملی رسید و آیین نامه اجرایی آن نیز در ۲۸ آبان ماه ۱۳۱۱

از تصویب هیئت دولت گذشت واز آن تاریخ اداره نو بنیاد عتیقات دست بکار وظیفه فنی خود گشت...»

قانون عتیقات در ۲۰ ماده تنظیم شده بود که ماده ۱۹ اشاره دارد به نظام نامه قانون که بعداً در ۵۲ ماده شامل ماده اول، تعریف - از ماده دوم تا یازدهم، فصل اول (عتیقات غیر منقول) - از ماده دوازدهم تا هفدهم، فصل دوم (عتیقات منقول) - از ماده هجدهم تا سی و هفتم، فصل سوم (حفاری) و از ماده سی و هشتم تا پنجاه و دوم، فصل چهارم (تجارت عتیقات).

بعداً در اجرای بند ۷ و تبصره های ۱ و ۲ ماده ۱۲۷ مکرر قانون مجازات عمومی مصوب تیرماه ۱۳۴۷ شمسی آئین نامه خرید و فروش اشیا عتیقه در سه فصل و شامل پنج ماده به ضوابط قبلی قانونی و اجرائی عتیقات اضافه گردید.

با تصویب قانون عتیقات توسط مجلس اداره عتیقات که چندی پیش به صورت شعبه عتیقات با شعبه انطباعات ادغام شده و به صورت اداره انطباعات درآمده بود، مجدداً بصورت یک سازمان مستقل بنام اداره عتیقات تابع وزارت معارف گردید.

پس از رسمیت یافتن اداره عتیقات بعنوان یک سازمان قانونی آقای گذار که از آغاز سال ۱۳۰۸ رسماً به خدمت دولت ایران استخدام شده بود در این اداره مشغول انجام وظیفه گردید. دامنه فعالیت آقای گذار بسیار گسترده بود و شامل تقریباً کلیه زمینه های در رابطه با باستانشناسی اعم از قسمت علمی و آموزشی می شده است. علاوه بر نامه قبل که رونوشت آن برای گذار با عنوان رئیس کل عتیقات ارسال گردیده است. نامه ای دیگر با امضاء وزیر معارف وقت در دست است که به آقای سید محمد تقی مصطفوی که

با عنوان عضو اداره عتیقات در آن اداره انجام وظیفه می نموده در ۲۹ اسفند ماه سال ۱۳۱۳

شمسی نوشته شده و در آن یادآوری شده است که در مسائل فنی باید از مسیو گذار کسب تعلیمات نماید ولی در امور اداری تابع رئیس معارف اصفهان باشد.

آقای گذار که در اثر لغو امتیاز نامه ۱۹۰۰ میلادی در سال ۱۳۰۸ شمسی رسماً به استخدام دولت ایران درآمده بود در سال ۱۳۱۲ شمسی به یکی از تعهدات خود عمل و ساختمان موزه ای نو بنیاد را که نقشه آن را نیز خود طرح کرده بود در محل فعلی موزه ایران باستان آغاز نمود بنای ساختمان به معماری حاج عباسعلی معمارباشی به اتمام رسید و در سال ۱۳۱۵ اشیا موزه ملی از عمارت مسعودیه به این ساختمان انتقال داده شد. در سال ۱۳۱۶ شمسی این موزه رسماً با نام موزه ایران باستان افتتاح گردید و قسمت اداری اداره عتیقات نیز به این ساختمان انتقال یافت.

در زمان وزارت آقای دکتر علی اصغر حکمت سرلشکر علی ریاضی به مدت ۴۰ روز از ۹ آذرماه سال ۱۳۱۸ تا ۲۰ دیماه همان سال در وزارت اسماعیل مرآت به ریاست اداره کل باستان شناسی منسوب گردید.

به تحقیق از آغاز ریاست مرحوم سید محمد تقی مستوفی بر اداره کل باستان شناسی اطلاعی در دست نداریم. سندی را آقای رشیدی کیخسروی در کتاب خود منتشر نموده است که تاریخ آن ۸ اسفند ماه ۱۳۲۸ است. در این سند که صورت مجلس تقسیم اشیا مکشوفه در زیویه کردستان است آقای گذار به عنوان مدیر کل باستانشناسی و محمد تقی مستوفی به عنوان رئیس اداره کل باستانشناسی و آقای سلیمان سپهبندی بعنوان مدیر موزه آنرا امضا نموده اند. پس از درگذشت مرحوم حیدرقلی شاملو آقای سلیمان سپهبندی از ۱۹ خردادماه ۱۳۱۴ تا ۲۸ مردادماه سال ۱۳۲۹ که بازنشسته گردید در مقام مدیر موزه ایران باستان انجام وظیفه می نموده است.

در سال ۱۳۳۲ مأموریت آقای آندره گدار در ایران خاتمه یافت و تا آبانماه ۱۳۳۷ که مرحوم سید محمد تقی مستوفی بازنشسته گردید ریاست اداره کل باستانشناسی ایران با مرحوم مستوفی بود. از زمان تأسیس اداره کل عتیقات که بعداً تغییر نام داد و به نام اداره کل باستانشناسی خوانده شد تا خردادماه ۱۳۴۳ این سازمان در زمینه های مختلف بررسی و کاوش و مرمت و تعیین حدود آثار باستانی و ثبت آنها فعالیت داشت.

در خردادماه ۱۳۴۳ وزارت فرهنگ و هنر به لیست وزارتخانه ها اضافه گردید و آقای مهرداد پهلبد در این وزارت منصوب شد. به علت انتساب سببی با سلسله پهلوی از آغاز ایجاد این وزارت خانه تا قبل از پیروزی انقلاب در ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ آقای پهلبد در تمام دولتها به عنوان وزیر فرهنگ و هنر عضویت داشت. هرچند وزیر این وزارت خانه همیشه ثابت بود، در عوض تغییرات داخلی این وزارت خانه متواتر بود. ابتدا عبارت «فرهنگ عامه» به نام «اداره کل باستانشناسی» افزوده شد و به همین مناسبت جزوه آئین نامه خرید و فروش اشیاء عتیقه را وزارت فرهنگ و هنر اداره کل باستانشناسی و فرهنگ عامه منتشر نمود.

در ابتدای تشکیل وزارت فرهنگ و هنر اداره مرکز باستانی ایران به آقای عبدالعلی پورمند که سابقاً عضو سازمان فرهنگ عامه که در محل اداره آن در یکی از ساختمان های کاخ گلستان واقع شده بود و ریاست آن را مهرداد پهلبد به عهده داشت انجام وظیفه می نمود، واگذار گردید. در تغییر بعدی که در این وزارت خانه به عمل آمد معاونت قسمت فرهنگی وزارت خانه به آقای پورمند داده شد که ۵ اداره کل را شامل می شد. اداره کل ۵ گانه عبارت بودند از فرهنگ عامه، آثار تاریخی، موزه ها، موزه ایران و باستان و مرکز باستانشناسی ایران. کلیه امور مربوط به کاوش ها و بررسی های باستان شناسی به

مرکز باستان شناسی ایران واگذار گردید. دو سازمان «انجمن آثار ملی» و «سازمان حفاظت آثار باستانی» با وجودی که جزو تشکیلات وزارت فرهنگ و هنر بودند ولی مستقل از ادارات کل ۵ گانه نام برده در فوق عمل می نمودند .

تا قبل از انتصاب آقای دکتر فیروز باقرزاده در حدود سال ۱۳۵۱ به ریاست مرکز باستان شناسی ایران ابتدا آقای برومند و سپس برای مدت یکسال آقای دکتر حسین طیب نعیمی ریاست و اداره مرکز را به عهده داشتند.

در فاصله بین سال های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۶ و نیمه اول سال ۱۳۵۷ فعالیت های پژوهشی و تحقیقاتی در زمینه های مختلف علمی در این مرکز به اندازه ای چشمگیر بود که این دوره کوتاه را باید فعالترین دوره مطالعات و تحقیقات باستان شناسی علمی در ایران از زمان تشکیل موزه ملی در سال ۱۳۲۹۵ تا کنون دانست. فعالیت های عمده پژوهشی و اداره مرکز را در این دوره می توان به شرح زیر برشمرد.

۱- از نقطه نظر تعداد هیئت های پژوهشی باستان شناسی با ملیت های مختلف براساس آمار منتشر شده در ۱۳۵۳ از ۴۵ هیئت باستان شناسی که به فعالیتهای تحقیق علمی در زمینه های مختلف باستان شناسی در ایران می پرداختند ۲۸ هیئت مشغول حفاری و کاوش علمی و بقیه به بررسی و شناسایی آثار سطحی اشتغال داشتند (گزارش های سومین مجمع سالانه). همچنین براساس آثار ارائه شده در سال ۱۳۶۳ از ۲۳ هیئت علمی باستان شناسی که در ایران مشغول پژوهش بودند ۱۱ هیئت مشغول کاوش و ۱۲ هیئت به بررسی می پرداختند. در همین آمار آمده است که در همین سال، یعنی ۱۳۵۷ از مرکز باستان شناسی دانشگاه تهران ۹ هیئت به کاوش و یک هیئت به بررسی مشغول بودند. (گزارش فعالیتهای پژوهش، حفظ و احیاء میراث فرهنگی)

۲- از نقطه نظر بر گذاری سمینارها و کنفرانس های مهم وبدون وقفه ای این دوره را باید اوج شکوفایی تبادل نظرهای تحقیقاتی پژوهش های علمی بین صاحب نظران ایرانی وغیر ایرانی منصوب نمود. نتیجه این سمینارها مجلدات گزارش های مجمع سالانه کاوش ها وپژوهش های باستانشناسی درایران است که درسومین گزارش ۱۴ مقاله فارسی و۲۹ مقاله به زبان های دیگر درآن چاپ ومنتشر گردیده است. گزارشی آخرین مجمع سالانه که درپاییز ۱۳۵۶ بر گزار گردید هنوز منتشر نشده است.

۳- انتشار ۱۲ شماره مجله وزین «باستانشناسی و هنر» که از مجلات بسیار معتبر باستانشناسی محسوب می شد ومورد استفاده پژوهشگران ومحققین که درزمینه های مختلف فرهنگ و هنر ایران قرار می گرفت. اطلاعات موثقی در دست است که شماره ۱۳ این مجله که قرار بود بعد از فروردین ۱۳۵۷ توزیع شود وبعد از مرحله صحافی کار انتشار آن تاکنون به تعویق افتاده است.

۴- جهت هر چه بیشتر غنی کردن پشتوانه وبنیه علمی مرکز باستانشناسی ایران مسئولین امر وسیله استفاده از امکانات تحصیلی و تحقیقاتی را دردانشگاه های معتبر ایران وخارج از ایران برای کارشناسان جوان شاغل در مرکز فراهم نمودند که در حال حاضر بسیاری از کارشناسان متخصص ومتعهد مرکز باستان شناسی ایران را همین افراد که پس از اتمام تحصیل به ایران مراجعت نمودند تشکیل می دهند.

۵- انتقال عده ای از کارشناسان قدیمی اداره کل باستان شناسی از مرکز باستانشناسی ایران به سایر بخش های حوزه معاونت فرهنگی وزرات فرهنگ و هنر که این انتقال موجب گردید تا آن بخش ها نیز بتوانند از وجود کارشناسان با سابقه استفاده نمایند.

در این دوره نه فقط نامه هایی با متنی که در تصویر شماره ۴ آمده است نوشته نمی شد، بلکه هیئت های مشترک علمی ایرانی وخارجی تشکیل می گردید تا به بررسی و کاوش آثار باستانی پردازند. در جلسات

سمینارها و کنفرانس های بین المللی باستان شناسان ایرانی با همتایان غیر ایرانی خود در حالی که وجه مشترکشان تخصص های علمی بود به دوره یک میز مذاکره و بحث و تبادل نظر می نشستند. چنانچه کنگره ای جهانی در رابطه با آثار فرهنگی و باستانی ایران در کشورهای دیگر همراه با نمایشگاه آثار تشکیل می شد هسته مرکزی هیئت را با باستانشناسان مرکز باستانشناسی ایران و گروه باستانشناسی دانشگاه تهران تشکیل می داد و نه مانند سابق که به یک نمونه از آن به شرح زیر اشاره خواهد شد.

« کنگره و نمایشگاه صنایع لنینگراد. دولت ایران در نمایشگاه صنایع لنینگراد شرکت نموده و آثار تاریخی و هنری ایران در نمایشگاه مذکور به معرض نمایش گذارده شد. هیئتی به ریاست آقای حکمت وزیر معارف و مرکب از آقایان دکتر سیاسی و دکتر صدیق، معاضد، مهندس ظاهرزاد بهزاد، دکتر صورتگر، برای شرکت در نمایشگاه شوروی اعزام گردید. آقای مسعودی مدیر اطلاعات نیز در جمعیت هیئت نمایندگی به لنینگراد عزیمت نمود...»

در این اواخر اعضاء و کارشناسان مرکز باستانشناسی ایران دیگر بعنوان نماینده جهت تنظیم صورت جلسات اشیاء به دست آمده برای تقسیم بین دولت ایران و هیئت حفاریان با بررسی همراه هیئت ها اعزام نمی شدند. با تحولاتی که به وجود آمده بود اصلاً دیگر اشیاء به دست آمده تقسیم نمی گردید و بلکه تماماً متعلق به دولت می شد و کارشناسان غیر ایرانی برای مطالعه آثار به دست آمده مجبور بودند با استفاده از امکاناتی که در مرکز باستان شناسی ایران به وجود آمده بود به تحقیق و مطالعه پردازند.

باین ترتیب حدود ۷۵ سال به طول انجامید تا داغ ننگی فصل هشتم امتیاز انحصار حفاری در ایران که در سال ۱۹۰۰ میلادی بین دولت ایران و یک دولت خارجی به صورت یک قرارداد رسمی درآمده بود زدوده شود و هویت باستان شناسی ایران در خور شئونات ایرانیان گردد.